

سازمان همکاری شانگهای و عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران

دکتر علیرضا رضایی* / دکتر عباس صالحی**

چکیده

ظرفیت‌های سازمان همکاری شانگهای با توجه به عضویت دو عضو از پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل (روسیه و چین) در این سازمان، دارا بودن بیش از یک‌سوم جمعیت جهان، وسعت قابل توجه و توانمندی‌های اقتصادی، نوید یک ائتلاف بالقوه توانمند را می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران هم اکنون عضو ناظر در این سازمان است و با توجه به درخواست اش جهت عضویت دائم در این سازمان، به نظر می‌رسد بررسی پیامدهای عضویت ایران در این سازمان در قالب تبیین فرصت‌ها و چالش‌های عضویت، بتواند سیاستگذاری در ارتباط با مساله مذکور را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تسهیل نماید. این نوشتار برآنست که عضویت دائم ایران در این سازمان می‌تواند از چهار جنبه سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی مورد تحلیل قرار گیرد. بر این مینا در ابتدا به تبیین تئوریک شکل‌گیری و تداوم سازمان همکاری شانگهای و سپس ضمن تحلیل پیامدهای چهارگانه عضویت جمهوری اسلامی ایران در این سازمان، امکان یا عدم امکان عضویت دائم در شرایط کنونی در این سازمان بررسی می‌شود و در پایان مواردی به عنوان پیشنهاد برای دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در این حوزه ارائه می‌گردد.

کلید واژه‌ها

سازمان همکاری شانگهای، پیامدهای عضویت دائم ایران، موازنه نرم، نظام بین‌الملل پسایزده سپتامبر، ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا.

* عضو هیات‌علمی و استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه آزاداسلامی واحد همدان.
** عضو هیات‌علمی و استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاداسلامی واحد همدان.

مقدمه

از دیدگاه نهادگرایان لیبرال در روابط بین‌الملل، نهادهای بین‌المللی به‌عنوان یکی از مهمترین بازیگران عرصه نظام بین‌المللی، در کنار دولت‌ها حائز اهمیت‌اند. این نظریه پردازان برآنند که نهادهای بین‌المللی می‌توانند تاثیر مهمی روی رفتار همکاری جویانه کشورها و نظم بین‌المللی داشته باشند. آنها ضمن آنکه برای نهادهای بین‌المللی هویت مستقل در سیاست بین‌المللی قائل‌اند، برآنند که نهادهای بین‌المللی، مستقل از منابع قدرت و ترجیحات کشورها، نتایج بین‌المللی و رفتار کشورها را تعیین می‌کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۷۷: ۵۷۵). نهادهای فراملی می‌توانند با ایجاد همگرایی، نقش مهمی در ایجاد زمینه‌های همکاری بین‌المللی بویژه همکاری بین دولت‌ها برای حل بحران‌های بین‌المللی و نیز دستیابی به اهداف مشترک ایفا کنند. همگرایی منطقه‌ای به جای آنکه به حاکمیت، توانایی نظامی و موازنه قدرت بپردازد، معطوف به وظایف، مرادات، ادراک‌ها و یادگیری است (هاس، ۱۳۸۵: ۱۴۰-۱۳۵).

نهادگرایان نولیبرال نیز برآنند که دولت‌ها نهادهای بین‌المللی را برای منافع متقابل که از لحاظ عقلانی به وسیله دولت‌ها محاسبه شده است به وجود می‌آورند. نهادهای بین‌المللی هم سود ممکن حاصل از همکاری را توسعه می‌دهند. ضمن آنکه نهادها می‌توانند با مدیریت جهانی شدن، یک اقتصاد آزادتری را به ارمغان آورند (بلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۶۶۸).

نهادگرایان نولیبرال همکاری را ساخته و پرداخته افراد و نهادها دانسته و به همین لحاظ این نوع تلقی را در نقطه مقابل بخشی از نظم طبیعی می‌دانند (قوام، ۱۳۸۶: ۳۵۴). پرسشی که مطرح می‌شود آنست که چرا قدرت‌های بزرگ و قدرت هژمون با توجه به محدودیت‌هایی که نظم مبتنی بر نهادها برایشان ایجاد می‌کند، باز هم سعی در ایجاد این نوع نظم دارند؟ در پاسخ بایست گفت که چنین توافقی به دو دلیل است: نخست آنکه اگر قدرت هژمون بداند که قدرت وی به‌عنوان قدرت برتر، کوتاه مدت است، نظم نهاد محور ترتیبات لازم جهت حفظ قدرت وی را در آینده هم تأمین می‌کند. در واقع خلق نهادهای نظام، بخش اساسی از سرمایه‌گذاری هژمونیک برای آینده است. کشور هژمون یک نظام پایدار که منافع وی را در آینده حفظ نماید ایجاد می‌کند و در مقابل از برخی آزادی‌های خود در به کارگیری قدرت صرف نظر می‌کند. البته قدرت هژمون باید متقاعد شده باشد که نهادهایی که ایجاد می‌کند فراتر از توانایی‌های او دوام خواهد آورد. یعنی باید فکر کند که این نهادها ظرفیت ساختاری مستقلی دارند. دوم

اینکه، از این طریق می‌تواند هزینه‌های اجرایی حفظ نظام را پایین بیاورد، حتی اگر معنی آن از دست دادن مقداری از آزادی عمل و مزایای کوتاه مدت باشد (ایکنبری، ۱۳۸۲:۳۲۳).

اما چرا دولت‌های ضعیف در برابر نظم نهاد محور مقاومت نمی‌کنند؟ پاسخ این پرسش نیز دو موضوع است: نخست آنکه بدون این توافقاتی‌های نهادین، دولت‌های ضعیف‌تر بیش از زمانی که توافقی در کار است، متضرر می‌شوند. چرا که بدون نهادها، معامله تنها بر اساس میزان قدرت انجام می‌شود و کشور هژمون برتری آشکار دارد، به همین جهت دولت‌های ضعیف بیشتر در جهت کسب امتیاز در حال حاضر هستند تا در آینده. دوم آنکه این توافق عملاً برای دولت ضعیف‌تر میزانی از حمایت در برابر سلطه یا به حال خود رها شدن را ایجاد می‌کند (همان، ۳۲۵-۳۲۴).

سازمان همکاری شانگهای به‌عنوان یک سازمان منطقه‌ای در منطقه آسیای مرکزی از جمله این نهادها می‌باشد که زمینه‌های شکل‌گیری آن پس از فروپاشی ساختار دوقطبی نظام بین‌الملل و پایان جنگ سرد فراهم آمد. این سازمان که به‌طور عمده نماد فرایند شکل‌گیری همگرایی در آسیای مرکزی می‌باشد با رشد و گسترش خود امروزه جایگاه به نسبت مهمی را در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی به‌دست آورده است. شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای به مذاکرات مرزی چین، شوروی (که بعداً روسیه نامیده شد) در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی باز می‌گردد. در نتیجه توافقاتی‌هایی که طی سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۴ میلادی بین دو کشور منعقد گردید، خطوط مرزی بین چین و روسیه تنظیم گردید. ۷۵۰۰ کیلومتر خطوط مرزی چین و روسیه بارها طی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی شاهد درگیری‌های مرزی بین نیروهای نظامی دو کشور بوده است. پس از فروپاشی شوروی، سه کشور تازه استقلال یافته آسیای مرکزی که هم‌مرز با چین بودند، یعنی قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان در مذاکرات مرزی بین چین و روسیه شرکت کردند و سرانجام در آوریل ۱۹۹۶ میلادی پنج کشور مذکور توافقاتی‌ای را تحت عنوان «توافقاتی‌نامه اعتمادسازی در مناطق مرزی» به امضاء رساندند که به موجب آن دول مذکور متعهد شدند محدودیت‌هایی را در استقرار نیروهای نظامی و فعالیت‌های نظامی خود در یک منطقه غیرنظامی مرزی به طول ۱۰۰ کیلومتر (۶۲ مایل) اعمال نمایند. از آنجایی که توافقاتی‌نامه مذکور در شانگهای منعقد شده بود پنج کشور مذکور از این پس به نام کشورهای عضو «شانگهای پنج» معروف شدند. باید خاطر نشان نمود که ابتکار تشکیل گروه شانگهای پنج

توسط چین مطرح گردید. یک سال بعد، در اجلاس سران کشورهای عضو گروه شانگهای پنج در مسکو، قرارداد دیگری در زمینه کاهش نیروهای نظامی در مناطق مرزی مشترک منعقد گردید. در ۱۹۹۸ میلادی در اجلاس سران کشورهای شانگهای پنج در آلمانی، کشورهای عضو توجه خود را به تهدیدات دیگری که امنیت آنها و حکومت‌های شان را مورد چالش قرار می‌داد معطوف کردند. در ۱۵ ژوئن سال ۲۰۰۱ میلادی، ازبکستان که عضو ناظر سازمان در اجلاس سران سال ۲۰۰۰ بود، به عضویت کامل شانگهای پنج درآمد و در همین روز، شش کشور عضو مشترکاً تشکیل سازمان همکاری شانگهای^۱ را اعلام نمودند. بدین ترتیب، سازمان همکاری شانگهای با مشارکت دو ابر قدرت چین و روسیه و چهار کشور آسیای مرکزی (قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان و ازبکستان) به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی پا به عرصه وجود گذاشت و طی ده سال حیات خود تاکنون، توانسته است چهار کشور ایران، پاکستان، مغولستان و هند را نیز به‌عنوان اعضای ناظر به جمع اعضای خود بپذیرد. همچنین در ژوئن ۲۰۰۲ میلادی سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در سنت پترزبورگ منشور این سازمان را به امضا رساندند که در آن، اهداف، اصول، ساختار و نحوه اقدامات و همکاری‌ها و گرایشات در حوزه روابط خارجی سازمان همکاری شانگهای تشریح شده است. با تصویب این منشور، سازمان همکاری شانگهای به‌صورت رسمی از لحاظ حقوق بین‌الملل در زمره سازمان‌های شناخته شده و رسمی بین‌المللی قرار گرفت.

جمهوری اسلامی ایران در تیرماه سال ۱۳۸۴ مصادف با پنجمین نشست سران سازمان شانگهای در آستانه قزاقستان، به‌عنوان عضو ناظر در این سازمان پذیرفته شد و تقاضای خود مبنی بر عضویت دائم در این سازمان را هم در این تاریخ ارائه نموده است. به همین جهت تبیین پیامدهای عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در این سازمان به جهت آشنایی سیاست‌گذاران خارجی کشور و پیشبرد اهداف کشور حائز اهمیت می‌باشد. قبل از پرداختن به این موضوع، نخست در ارتباط با علل شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای و اهمیت آن در معاللات بین‌المللی مباحثی مطرح خواهد شد و سپس پیامدهای عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران را در این سازمان، از منظر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تبیین می‌گردد.

1- Shanghai Cooperation Organization

گفتار اول: اهمیت مطالعه درباره سازمان همکاری شانگهای

موضوع جهانی شدن باعث شده است که ائتلاف‌ها و نهادهای بین‌المللی افزایش یافته و بیش از گذشته اهمیت پیدا کنند. به همین جهت از اواخر قرن بیستم بسیاری از ائتلاف‌ها و سازمان‌ها فعال و تقویت شده است و کشورها خواسته‌ها و منافع خود را در چارچوب مجموعه‌ای از کشورهای همسو بیان می‌کنند. سازمان همکاری شانگهای هم از جمله این نهادها می‌باشد که دارای اهمیت وافری در نظام بین‌الملل کنونی است. ظرفیت‌های سازمان همکاری شانگهای و همچنین توانمندی‌های آن با توجه به عضویت دو عضو از پنج عضو دائم شورای امنیت در این سازمان، دارا بودن بیش از یک سوم جمعیت جهان، وسعت قابل توجه و توانمندی‌های اقتصادی نوید یک ائتلاف بالقوه توانمند را می‌دهد و اگر چهار کشور عضو ناظر مغولستان، ایران، پاکستان و هند نیز به جمع اعضا اضافه گردند، سازمان شانگهای با جمعیتی حدود ۲/۷ میلیارد نفر و وسعت حدود نیمی از کره زمین به موقعیتی مهم‌تر دست خواهد یافت. این سازمان به لحاظ تئوریک زمینه بسیار جالبی برای مطالعه است، چرا که در بحث تئوری‌های روابط بین‌الملل امروزه یک بحث مهم در مورد آینده نظم جهانی تک قطبی معاصر^۱ است. همچنین زمینه مناسبی در خصوص بحث در مورد گونه‌های در حال ظهور و اشکال جدید توازن قدرت^۲ در اوایل قرن ۲۱ است.

به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران قرن حاضر قرن آسیاست و بسیاری از معادلات قدرت در سطح جهانی در این منطقه تعیین می‌گردد و لذا اهمیت آسیا در آینده نظام بین‌الملل در حال افزایش است و لازم است قدرت‌های آسیایی جایگاه خود را در نظام جدید بین‌الملل تعریف نمایند. به همین جهت این سازمان نمی‌تواند در آینده به‌عنوان یک سازمان منطقه‌ای بماند زیرا حضور دو قدرت بزرگ چین و روسیه در شرایط متحول جهان کنونی موجب خواهد شد که این سازمان به‌عنوان یک سازمان فرامنطقه‌ای خود را مطرح نماید. حتی اگر اهداف اولیه رهبران چین و روسیه از تشکیل سازمان همکاری شانگهای منطقه‌ای بوده است، این سازمان هم‌اکنون فرصت مناسبی برای تبادل نظر در مسایل بین‌المللی و نگرانی‌های مشترک جهانی ایجاد کرده است. در چارچوب چنین نهادهایی است که فرصت گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری‌های

1- Current Unipolar World Order

2- New Forms of Power Balancing

متقابل و توسعه همکاری‌های صنعتی و اقتصادی افزایش می‌یابد. با عنایت به وضعیت خاص منطقه‌ای و بین‌المللی، ایران نیازمند آن است که به اشکال و روش‌های گوناگون با مجموعه‌های بزرگتر منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری نماید و برخی از خواسته‌ها و منافع خود را در آن چارچوب تعریف نماید.

گفتار دوم: علل شکل‌گیری و تداوم سازمان همکاری شانگهای

گسترش تعاملات جهانی در چارچوب روابط بین‌الملل، پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک، رشد فن‌آوری‌های نو و نیاز نظام بین‌الملل کنونی به تعامل و همکاری بیشتر، تشکیل سازمان‌هایی را برای قانونمند ساختن روابط بین دولت‌ها ضروری نموده است. از ابتدای قرن بیستم به این سو سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان ضرورت زیست جمعی و جزئی مهم و لاینفک از نظام بین‌المللی در حال تحول به حساب می‌آیند، به نحوی که امروزه سازمان بین‌المللی یک پدیده بارز حکومت مدرن می‌باشد و به‌عنوان ساختاری که در واقعیت‌ها ریشه دوانیده و نسبت به ضرورت‌های روابط بین‌الملل مطابقت می‌نماید، شناخته می‌شود. در تئوری‌های روابط بین‌الملل هم نقش و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. نئورئالیست‌ها نهادها و سازمان‌ها را به‌عنوان ابزاری در دست قدرت‌های بزرگ تبیین نموده‌اند. نهادگرایان سازمان‌های بین‌المللی را به‌عنوان حوزه‌های برای همکاری در عرصه بین‌المللی در نظر می‌گیرند و سازه‌انگاران سازمان‌های بین‌المللی را به‌عنوان بازیگرانی که در ترویج هنجارها در عرصه روابط بین‌الملل فعالند، مورد بررسی قرار می‌دهند (رضایی، ۱۳۸۸). برای فهم دقیق ماهیت یک سازمان می‌بایست علل زیربنایی شکل‌گیری آن را مورد تحلیل قرار داد. در این قسمت تلاش بر آنست تا علل شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای به‌صورت کاربردی مشخص شود. به همین جهت مجموعه نظرات مطرح شده در این خصوص مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) همکاری ضد تروریستی و ضد جدایی‌طلبی در منطقه

در ارتباط با علل شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای بسیاری برآندند که همکاری‌های ضدتروریستی و ضد جدایی‌طلبی از نقش و جایگاه با اهمیتی برخوردار است. همه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای از جمله چین و روسیه گرفتار یکسری گروه‌های تروریستی جدایی‌طلب هستند که به‌طور بالقوه توانایی بی‌ثبات ساختن منطقه آسیای مرکزی را دارند (Weitz, 2003:57).

بسیاری برآندند که سه عامل مهم که در ایجاد و توسعه سازمان همکاری شانگهای نقش پراهمیتی داشته‌اند، و از آنها تحت عنوان «سه شر»^۱ نام می‌برند عبارتند از:
الف) تروریسم بین‌المللی؛^۲ ب) افراط‌گرایی مذهبی؛^۳ و ج) جدایی‌طلبی^۴

این موارد به‌ویژه زمانی حائز اهمیت‌اند که بدانیم که پس از فروپاشی شوروی، شاهد ایجاد انقلاب‌های رنگی در آسیای مرکزی هستیم.^۵ به همین جهت عده‌ای برآندند که سازمان همکاری شانگهای یک کنسرتی است که در آسیای مرکزی جهت جلوگیری از برهم‌خوردن وضع موجود رژیم‌های قانونی پس از شوروی ایجاد شده است. بدین معنا که تهدیدات مشروعیت رژیم‌های آسیای مرکزی، نخبگان این کشورها را بر آن داشت تا جهت حفظ منافع خود به ایجاد سازمان همکاری شانگهای بپردازند. رهبران چین از اسلامگرایانی که در استان سین‌کیانگ غربی ساکن‌اند، در هراسند. رفع معضلات چین درباره تروریسم، بنیادگرایی، جدایی‌طلبی و تجارت مواد مخدر از موارد مهم در پیگیری چینی‌ها در شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای بوده است. روس‌ها نیز با چالش جدایی‌طلبی چین‌ها روبرو هستند. دیگر دولت‌های عضو سازمان همکاری شانگهای هم هرکدام با درجات گوناگون با گروه‌های جدایی‌طلب روبرو هستند (Atal, 2005:103). جالب آن است که منطقه آسیای مرکزی حتی قبل از حمله تروریست‌ها به نیویورک و واشنگتن در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، از جانب تروریسم

1- Three Evils

2- International Terrorism

3- Religious Extremism

4- Separatism

۵- انقلاب سرخ (Rose) در گرجستان، انقلاب نارنجی (Orange) در اوکراین و انقلاب لاله سرخ در قرقیزستان

بین‌المللی تهدید می‌شد و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای با حملات تروریستی و افراط‌گرایانه روبرو بوده‌اند (Lukin, 2004: 31-40).

به عبارت دیگر رهبران سیاسی کشورهای اوراسیا به خاطر رویارویی با تروریسم، جدایی‌طلبی و جرائم سازمان یافته، به‌عنوان یک شر بزرگ^۱ گرد هم آمدند، تا به وسیله گسترش همکاری‌ها، بتوانند نقاط ضعف خود را در این بخش از طریق مساعدت‌های چند جانبه مرتفع سازند. در همین راستا بعد از ۲۰۰۱م در این منطقه شاهد سطح جدیدی از همکاری بین حکومت‌ها در قالب سازمان همکاری شانگهای هستیم. البته میزان موفقیت در دستیابی به این اهداف بحثی جداگانه می‌طلبد (Gleason & Shaihtudinov, 2005:279). بدین ترتیب بسیاری برآنند که ضدیت با تروریسم نقش کلیدی در ایجاد و توسعه همکاری‌ها در قالب سازمان همکاری شانگهای دارد. بویژه که فعالیت طالبان در سال ۱۹۹۸ میلادی جهت کنترل افغانستان، رهبران شانگهای ۵ را بر آن داشت تا در جهت مقابله با اقدامات ضد تروریستی همکاری‌های را شروع نمایند (Chung, 2004: 994).

شکل‌گیری سازوکاری به نام ساختار ضد تروریسم منطقه‌ای در سازمان نیز دال بر اهمیت قائل شدن برای این عامل در شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای است.

ب) عادی‌سازی روابط و تنش زدایی میان چین و روسیه

بسیاری برآنند که تنش زدایی و عادی‌سازی روابط میان چین و روسیه را می‌توان عامل عمده در شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای دانست. تاسیس شانگهای ۵ نخستین بار در راستای کاهش تنش‌های مرزی میان روسیه و چین ظهور کرد. شانگهای ۵ یک اقدام نهادی بود که بر آن اساس منافع روسیه و چین را در جهت مدیریت بی‌ثباتی در آسیای مرکزی، از طریق اقدامات اعتمادسازی نظامی که مبتنی بر محدودیت‌هایی در بکارگیری نیروی نظامی بود، به هم نزدیک می‌کرد. بر این اساس فرآیند عادی‌سازی روابط میان چین و روسیه نقش مهمی در شکل‌گیری و تداوم سازمان همکاری شانگهای دارد (Weitz, 2003: 41).

سازمان همکاری شانگهای در ایجاد اعتماد متقابل میان اعضا و بطور ضمنی در جلوگیری از ایجاد تنش میان اعضا موفق عمل نموده است. سازمان شانگهای بر این مبنا توانسته است به

1 - Great Eviles

اهدافش در زمینه کاهش تهدیدات نظامی در روابط میان کشورهای منطقه آسیای مرکزی دست یابد. این موارد را می‌توان در بیانیه‌ها و موافقت‌نامه‌های سازمان مشاهده کرد (Swanstrom, 2004: 45).

ج) ایجاد موازنه میان روسیه و چین

بر اساس این دیدگاه سازمان همکاری شانگهای در جهت تفکر موازنه قدرت منطقه‌ای میان روسیه و چین شکل گرفت. این سازمان چارچوب مناسبی بود که از طریق آن روسیه و چین در مقابل نفوذ همدیگر موازنه ایجاد می‌کردند. چین بازیگر کلیدی در آسیای مرکزی می‌باشد و این به نفع روسیه نیست. برای چین سازمان همکاری شانگهای عاملی جهت گسترش نفوذ سیاسی در منطقه آسیای مرکزی و زمینه‌ای برای بسط تعاملات با جمهوری‌های آسیای مرکزی می‌باشد. برای روسیه هم این سازمان ابزاری مفید برای در زیر نظر داشتن حرکات چین و حتی جلوگیری از تسلط چین بر منطقه است (Harris, 2005: 491).

این موازنه طلبی را در تحرکات هر دو طرف می‌توان مشاهده نمود. برای مثال بسیاری برآنند که حمایت روسیه از عضویت هند به‌عنوان عضو ناظر در سازمان به جهت ایجاد موازنه روسیه در برابر چین می‌باشد. در مقابل چین هم برای ایجاد موازنه در برابر بلوک روسیه و هند در سازمان شانگهای، از عضویت پاکستان به‌عنوان عضو ناظر در سازمان حمایت کرد. همچنین می‌توان به این نکته اشاره نمود که روسیه در زمینه انرژی مراداتی در شرق دور با ژاپن دارد تا از این طریق موازنه‌ای در وابستگی اقتصادی به چین ایجاد نماید (Atal, 2005: 103).

شاید بتوان حمایت چین از عضویت ایران در سازمان به‌عنوان عضو ناظر را هم در این راستا تبیین نمود که چین از این طریق درصدد کاهش وابستگی به انرژی روسیه و ایجاد موازنه در برابر این کشور می‌باشد.

در مجموع بر مبنای این دیدگاه رقابت جهت تسلط و نفوذ منطقه‌ای میان روسیه و چین از عوامل اصلی ایجاد سازمان همکاری شانگهای است. بویژه از دید چینی‌ها، سازمان همکاری شانگهای ابزاری جهت جایگزینی آنها به جای روسیه، به‌عنوان بازیگر کلیدی در آسیای مرکزی

می باشد. همچنین این سازمان از منظر روس‌ها در جهت محدود ساختن نفوذ چین در آسیای مرکزی می‌تواند مثر ثمر واقع گردد.

د) ایجاد موازنه در برابر هژمونی ایالات متحده آمریکا

این دیدگاه مبتنی بر تفکر موازنه قدرت سیستمیک است. بر طبق این دیدگاه روسیه و چین در چارچوب سازمان همکاری شانگهای سعی در ایجاد موازنه در برابر ایالات متحده آمریکا را دارند. به عبارت دیگر روسیه و کشورهای آسیای مرکزی می‌خواهند با همراهی چین موازنه قدرتی در برابر هژمونی ایالات متحده آمریکا در عرصه نظام بین‌الملل پساجنگ سرد ایجاد کنند که این مهم در قالب سازمان همکاری شانگهای تداعی می‌یابد (Zhuangzhi, 2004: 61). بررسی اهداف ژئوپولیتیک سیاست‌های دفاعی چین در زمینه به چالش کشاندن ضرورت‌های نظام تک قطبی مبتنی بر هژمونی ایالات متحده ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که چین در این راستا به گسترش همکاری‌ها و گفتگوهای چندجانبه در قالب سازمان همکاری شانگهای روی آورده است (Atal, 2005:102). به همین جهت نقش ایالات متحده به‌عنوان عقبه ایجاد سازمان همکاری شانگهای غیرقابل انکار است (Gleason & Shaihtudinov, 2005:276).

سازمان همکاری شانگهای نقش موازنه دهنده‌ای در صحنه بین‌المللی به خصوص در مقابل پیمان ناتو ایفا می‌نماید. برای مثال، ایالات متحده آمریکا درخواستی جهت عضویت به‌عنوان عضو ناظر به سازمان همکاری شانگهای ارائه کرده بود، اما این درخواست در سال ۲۰۰۵ از طرف سازمان رد شد. همچنین سازمان همکاری شانگهای از آمریکا خواسته است که پایگاه‌ها و نیروهای نظامی خود را از خاک تمام کشورهای عضو خارج سازد. پس از این درخواست، دولت قرقیزستان رسماً از آمریکا درخواست کرد که برنامه خروج نیروهای آمریکایی و تعطیلی پایگاه هوایی نظامی K-2 را از این کشور را سریعاً تهیه و اعلان کند. موازنه طلبی چین و روسیه را در قالب سازمان همکاری شانگهای، به‌عنوان یک اتحاد ضد هژمونیک می‌توان در چارچوب نظریه رئالیسم ساختاری تبیین کرد. رئالیسم ساختاری با مفروض قرار دادن شرایط آنارشیک نظام بین‌الملل برآنست که وضعیت خودیاری ناشی از زندگی در وضعیت آنارشیک، دولت‌ها را در جهت افزایش ظرفیت‌های قدرت‌شان مصمم‌تر می‌سازد. توانایی‌ها نه تنها به لحاظ فیزیکی، بلکه

در تداوم اقتدار، استقلال سیاسی و بقا کشورها کلید نهائی به شمار می‌رود. دولت‌ها به لحاظ داخلی از طریق بسیج توانایی‌هایشان، و به لحاظ خارجی از طریق متحد شدن با دیگران، می‌توانند در برابر دیگر قدرتها موازنه ایجاد کنند (Waltz, 1979: 163). بر این اساس برخی از اندیشمندان سازمان همکاری شانگهای را از این دیدگاه و در چارچوب ایجاد موازنه در برابر ایالات متحده آمریکا تبیین می‌نمایند.

ه) گسترش همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای

برخی برآنند که جمهوری‌های سابق شوروی، پس از فروپاشی شوروی آمادگی استقلال کامل را نداشتند و دور ماندن آنها از صنعت، به جهت تمرکز بر تولید مواد خام، این کشورها را بر آن داشت تا برای یکپارچگی و اتحاد در آسیای مرکزی قدم‌هایی بردارند. سازمان همکاری شانگهای چنین بستری را برای این کشورها فراهم نمود (انوری و رحمانی موحد، ۱۳۸۷: ۵۸). اهمیت مباحث اقتصادی را می‌توان از تصمیم‌های شورای سران سازمان مبنی بر ایجاد ساختارهای جدید مشاهده نمائیم. در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۵ شورای سران حکومت‌ها (نخست وزیران)، یک کنسرسیوم بین بانکی^۱ ایجاد کردند که دارای اعضای متشکل از بانک‌های کشورهای عضو می‌باشد، شامل؛ بانک توسعه قزاقستان^۲، بانک توسعه دولتی چین^۳، بانک توسعه امور اقتصادی خارجی روسیه^۴، بانک ملی تاجیکستان^۵ و بانک ملی برای فعالیت اقتصادی خارجی ازبکستان^۶ که در دومین شورای کنسرسیوم بین بانکی در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۶ میلادی شرکت پس‌انداز و پرداخت قرقیزستان^۷ نیز به جمع مذکور افزوده شد. همچنین در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۶ مدیران بانک‌های عضو برنامه اقدامی جهت پشتیبانی از همکاری‌های اقتصادی منطقه آسیای مرکزی را امضاء کردند که استراتژی فعالیت‌های کنسرسیوم بین بانکی را در میان مدت مشخص می‌کند. در تداوم این موضوع تصمیمات موثری در زمینه اعتبارات لازم جهت

1- Interbank Consortium (IBC)

2- The Development Bank of Kazakhstan

3- The State Development Bank of China

4- The Bank for Development and Foreign Economic Affairs of Russia

5- The National Bank of Tajikistan

6- The National Bank for Foreign Economic Activity of Uzbekistan

7- The Settlement & Savings Company of Kyrgyzstan

پروژه‌های با سرمایه گذاری مشترک در حدود ۷۴۲ میلیون دلار در همان سال امضاء شد. هم اکنون مدیرکل بانک توسعه قزاقستان مسولیت کنسرسیوم بین بانکی سازمان را بر عهده دارد (SCO Website A, 2009).

در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۶ میلادی و در جریان کنفرانس سران دولت‌ها در ساختاری تحت عنوان «شورای بازرگانی»^۱ در سازمان همکاری شانگهای تعریف شد. البته این تصمیم در پی مذاکرات نمایندگان پارلمان کشورهای عضو در می ۲۰۰۶ در مسکو اتخاذ شد. این شورا سازوکاری غیردولتی است که درصدد گسترش تعاملات بازرگانی میان کشورهای عضو و تعاملات سرمایه‌ای و مبادلات مالی اعضای سازمان می‌باشد. همکاری‌های چندجانبه در خصوص انرژی، حمل و نقل، تکنولوژی‌های نو، بهداشت و مسائل کشاورزی نیز در دستور کار این شورا قرار دارد. هماهنگ‌سازی قوانین ملی در زمینه اقتصاد، بخش بنیادی در فعالیتهای این شورا است که تاکنون در این خصوص چندان موفق عمل نکرده است (SCO Website B, 2009). در اجلاس سران در بیشکک (۲۰۰۷)، تعاملات بین دو ساختار جدید سازمان همکاری شانگهای، یعنی کنسرسیوم بین بانکی و شورای بازرگانی سازمان ایجاد گردید.

گفتار سوم: جمهوری اسلامی ایران و سازمان شانگهای

در عرصه سیاست خارجی؛ منطقه‌گرایی در راستای تامین اهداف بین‌المللی یک کشور حائز اهمیت است. اما حکایت از تغییر در سیاست خارجی، از سیاست‌های آرمانی و ایدئولوژیک به سیاست‌های منطقی‌تری است که منافع ملی را تعقیب می‌کند. توجه به سیاست منطقه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۹۸۰ میلادی و در زمان ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی بلافاصله پس از پایان جنگ و رحلت امام‌خمينی(ره) آغاز شد و از آن تاریخ تا به حال ادامه یافته است. در دوره ریاست جمهوری محمدخاتمی؛ منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران در چارچوب نظریه «گفتگوی تمدن‌ها» دنبال شد بدون این که در محتوای سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تغییر محتوایی صورت گرفته باشد. در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد نیز به جهت تقابل‌گرایی بیش از پیش با قدرت هژمون و تنش‌های موجود

1- Business Council

در تعامل میان ایران و کشورهای اروپایی، منطقه‌گرایی در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. از بین پنج منطقه کلیدی و امنیتی جهان، شامل خلیج فارس، دریای خزر، آسیای مرکزی، قفقاز، شبه قاره هند و خاورمیانه، منطقه آسیای مرکزی به جهت حضور دو قدرت در حال ظهور در عرصه بین‌المللی - چین و روسیه - بیشتر توجه جمهوری اسلامی ایران را جلب نمود. برای ایران، حوزه آسیای مرکزی در نزدیکی روسیه، چین و اروپا دارای قابلیت‌های سرشار اقتصادی، استراتژیکی، تجاری و بازرگانی و البته سیاسی و دیپلماتیک است و برنامه‌ریزی برای استفاده مطلوب بر اساس منافع ملی از این قابلیت‌ها به توسعه نفوذ ایران در منطقه و تسهیل روابط تهران کشورهای فرامنطقه‌ای یاری می‌رساند؛ چرا که کشورهای این حوزه هر یک به تناسبی با آمریکا اروپا و دو قدرت منطقه‌ای چین و روسیه روابط گسترده‌ای دارند. ایران به مسأله همکاری‌هایش با همسایگان؛ با کشورهای مسلمان و نیز با کشورهای صاحب قدرتی چون روسیه و چین و اروپا و هند از این دیدنظر داشته است که سیاست مهار آمریکا علیه خود را بی اثر نماید. استفاده دیگری که ایران از اولویت دادن به همکاری منطقه‌ای در سیاست خارجی خود می‌برد این است که در چارچوب آن ضرورت خروج ایالات متحده و ایفای نقش آن کشور در امور آسیای مرکزی مطرح نماید (سنایی، ۱۳۸۹).

سازمان همکاری شانگهای به‌عنوان یکی از سازمان‌های فعال در این منطقه می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را در دستیابی به اهداف سیاست خارجی و تامین منافع ملی در این منطقه یاری رساند. به همین جهت در تیرماه ۱۳۸۴ و در نشست سران سازمان در شهر آستانه قزاقستان، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان عضو ناظر در این سازمان مورد پذیرش قرار گرفت. این موضوع با روی کار آمدن دولت نهم در همان سال و تقویت گرایش راهبردی نگاه به شرق در سیاست خارجی، گسترش همکاری با این سازمان را تسهیل نمود، تا آنجا که آقای احمدی‌نژاد به‌عنوان نخستین رئیس جمهوری اسلامی ایران در ششمین نشست سران سازمان در شانگهای چین در خرداد ۱۳۸۵ حضور یافت (انوری و رحمانی موحد، ۱۳۸۷: ۸۴).

گفتار چهارم: پیامدهای عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای

جمهوری اسلامی ایران پس از حضور رئیس‌جمهور در این سازمان و در چارچوب سیاست خارجی آقای احمدی‌نژاد، تمایل خود را مبنی بر عضویت دائم در این سازمان در برهه‌های مختلف اعلام نموده است. اینکه تصمیم به عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در این سازمان به لحاظ نظری و عملی چه پیامدهای را به دنبال خواهد داشت، مبحثی است که در این قسمت از چهار بعد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

الف) پیامدهای سیاسی عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای

وقوع انقلاب اسلامی در ایران با داعیه «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» و پیامدهای آن، از همان ابتدا این کشور را در برابر ایالات‌متحده آمریکا قرار داد. این رویارویی تاکنون هزینه‌هایی را بر هر دو طرف تحمیل نموده و هنوز هم جریان دارد. البته تنها ایران نیست که یک‌جانبه‌گرایی‌های ایالات‌متحده را در عرصه بین‌المللی بر نمی‌تابد. روسیه و چین هم چنین دیدگاهی را در تعاملات خود با ایالات‌متحده دنبال می‌کنند. پیشینه تعاملات میان اعضای تأثیرگذار سازمان شانگهای (چین و روسیه) با ایالات‌متحده آمریکا، یک اتحاد طبیعی میان ایران، چین و روسیه با هدف ایجاد موازنه در برابر هژمونی ایالات‌متحده آمریکا در عرصه نظام بین‌الملل را پرنگ می‌سازد. سازمان همکاری شانگهای بستر مناسبی جهت تبدیل این اتحاد طبیعی به اتحاد استراتژیک است. ایجاد موازنه در برابر یک‌جانبه‌گرایی‌های هژمونیک ایالات‌متحده آمریکا در چارچوب این سازمان قابل رهگیری می‌باشد. البته بایستی به این نکته توجه نمود که جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن چنین بستری می‌تواند با عضویت دائم در این سازمان هدف خود را بیش از پیش عملیاتی سازد، بویژه که دو کشور چین و روسیه نیز دارای این احساس نوستالوژیک ابرقدرتی در عرصه نظام بین‌المللی می‌باشند. دستیابی به موازنه در برابر آمریکا در این چارچوب عمدتاً در قالب ایجاد موازنه نرم^۱ معنا و مفهوم می‌یابد. هدف ایجاد موازنه نرم را می‌توان خنثی کردن عملکرد دولت در حال رهبری بدون مقابله مستقیم

1- Soft Balancing

دانست. موازنه‌دهنده نرم سعی می‌کند با ایجاد شرایط سخت‌تر برای دولت در حال رهبری یا ائتلافش از طریق افزایش هزینه‌های حفظ وضع موجود از طرق زیر اقدام نماید:

۱. عدم پذیرش سرزمینی^۱؛ قدرت‌های برتر اغلب از دسترسی به سرزمین دیگر کشورها جهت اسکان نیروها و عبور و مرور نیروهای هوایی و دریایی‌شان سود می‌برند. رد دسترسی سرزمینی توسط سایر کشورها، موفقیت قدرت هژمون را در پیروزی کاهش می‌دهد.

۲. دیپلماسی گیرانداختن^۲؛ حتی قدرت‌های برتر در سطح نظام بین‌الملل نیز نمی‌توانند قوانین و مقررات مهم سازمان‌های بین‌المللی را نادیده گرفته، و به اهداف خود بدون اهمیت دادن به آنها دست یابند. در همین راستا دولت‌ها می‌توانند با استفاده از نهادهای بین‌المللی و سایر اقدامات دیپلماتیک برتری قدرت هژمون را برای جنگ یا حمله کاهش داده، و فرصتی برای آمادگی بیشتر به دولت هدف حمله بدهند.

۳. تقویت قدرت اقتصادی^۳؛ قدرت نظامی دولت‌هایی را تهدید می‌کند، که اهدافی را در جهت ایجاد موازنه در برابر قدرت هژمون دنبال می‌کنند. لکن قدرت عظیم اقتصادی می‌تواند پشتوانه خوبی باشد. در این راه ایجاد بلوک‌های اقتصادی انحصاری بدون حضور قدرت هژمون و بالا بردن رشد اقتصادی و تجاری بین اعضا می‌تواند کارگر افتد.

۴. عزم راسخ برای موازنه^۴؛ قدرت‌های درجه دوم می‌توانند با ایجاد پیمان‌های دسته جمعی در برابر قدرت هژمون که نیاز به همراهی سایر قدرت‌ها جهت جامعه عمل پوشیدن به برخی اهداف خود دارد، ایستادگی کنند. این مساله سبب می‌گردد تا اعتماد این قدرت‌ها به توانایی ایجاد موازنه در برابر قدرت هژمون افزایش یابد، همچنین موجب ترغیب سایر دولت‌ها در جهت پیوستن به ائتلاف می‌گردد.

این مفهوم از موازنه بارها مورد تأکید مقامات ایران در اجلاس‌های اخیر شانگهای در سطح سران در مه ۲۰۰۸ میلادی و نیز اجلاس کارشناسی اخیر در روسیه بوده است. شکل‌گیری چنین موازنه‌ای در راستای حداکثر سازی منافع و مطلوبیت‌های ژئوپلیتیکی تمامی اعضای این

-
- 1- Territorial Denial
 - 2- Entangling Diplomacy
 - 3- Economic Strengthening
 - 4- Signals of Resolve to Balance

پیمان محسوب شده و قابلیت لازم برای پیوستن بازیگران جدیدی از حوزه‌های آسیای غربی را خواهد داشت. سیاست خارجی ایران دارای اهداف مشترک با چین و روسیه است؛ مقابله با یک جانبه‌گرایی آمریکا و امکانات تسری و تعامل با پیمان‌های منطق‌های دیگر نظیر اکو، سارک، آ.سه آن، در واقع محدودسازی قدرت مانور غرب و ناتو فراهم کرده است. حال آنکه نزدیکی هر چه بیشتر محورهای ساختاری قدرت ملی هر یک از کشورها، یعنی افزایش ارتباطات سازمانی میان نهادهای تجاری، اقتصادی، امنیتی، آموزشی و غیره به شکل متقابل، می‌تواند به شکل‌گیری موازنه امنیتی جدیدی بیانجامد.

با افزایش حضور نظامی ناتو و آمریکا در افغانستان، به‌عنوان همسایه شرقی ایران، حضور ایران در سازمان شانگهای مهمتر و برجسته‌تر می‌شود. از این رو بستر برای گسترش همکاری‌های دسته جمعی برای مقابله با عناصر برهم زننده امنیت و صلح منطق‌های برای اعضای آن سازمان از جمله ایران مهیا است. به همین جهت آمریکا و ناتو نگرانی‌هایی را در خصوص همگرایی کشورهای همچون ایران، روسیه و قزاقستان در عرصه انرژی ابراز داشته اما انرژی یکی از محورهای مهم مشارکت منطقه‌ای ایران در مجموعه سازمان همکاری شانگهای به شمار می‌رود. از سوی دیگر، جایگاه مهم سازمان شانگهای به‌عنوان یک نهاد بین دولتی که دو عضو دائم شورای امنیت یعنی چین و روسیه نیز در آن حضور دارند، می‌تواند میدان بازی را برای ایران جهت کسب و پیگیری منافع ملی و ایفای نقش منطقه‌ای آن، مهیا کند. باید گفت روسیه برای سازماندهی و مدیریت حوزه انرژی در چارچوب سازمان همکاری‌های شانگهای، نیازمند عضویت ایران است و به اعتقاد کارشناسان، پذیرش اعضای جدیدی همچون ایران، هند و پاکستان می‌تواند، ظرفیت خودکفایی اقتصادی سازمان را به مراتب افزایش دهد. بر این اساس، برای رسیدن به این هدف استراتژیک، ظرفیت اقتصادی ایران، ذخایر انرژی نفت و گاز، کانال‌های ارتباطاتی و حمل و نقل و موقعیت ژئوپلیتیک آن کشور، می‌تواند کمک مؤثری باشد. عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای به لحاظ سیاسی پیامدهای زیر را به دنبال خواهد داشت:

۱. ایران با همکاری چین و روسیه می‌تواند در برخی موارد از تنش‌های میان این کشورها و ایالات متحده آمریکا، به نفع خود بهره برداری کند؛
۲. تهدید مشترک ناتو و آمریکا برای ایران و دیگر اعضای سازمان کم‌رنگ تر خواهد شد؛

۳. تقویت روند منطقه‌گرایی در نظام بین‌الملل و احتمال تاثیرگذاری آن بر سیاستگذاری‌های کلان بین‌المللی؛
۴. گسترش روحیه اعتماد، حسن‌نیت، همکاری، ثبات و تثبیت و تقویت چهره دوستانه و مثبت کشورمان در تعاملات منطقه‌ای؛
۵. زمینه‌ای مناسب جهت ایجاد ائتلاف سازنده برای رویارویی با تحریم‌ها و موانع دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای.

ب) پیامدهای امنیتی عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای

جای هیچ تردیدی نیست که در جهان یکپارچه امروز نمی‌توان در انزوا به اهداف امنیتی، نایل آمد. وابستگی متقابل کشورها، بر اهمیت روابط متقابل، مذاکرات و همکاری افزوده و نیاز فزاینده به رهیافتی جامع در مورد توسعه، ضرورت تغییر نظریات راجع به روابط بین‌المللی را نشان می‌دهد. تغییر روش تعقیب منافع ملی به قیمت نابودی دیگران به رابطه‌ای بر اساس احترام و منافع دوجانبه تبدیل شده است. در این راستا سازمان همکاری شانگهای نقش رهبری در روابط بین‌المللی اعضا می‌یابد. این سازمان در بسیاری از جنبه‌های امنیتی، درصدد تحقق اهداف امنیتی پایدار و چندجانبه، در میان اعضا است. وابستگی متقابل امنیتی در خصوص مبارزه با تروریسم، مواد مخدر و تجزیه‌طلبی، از جمله اهدافی است که بسیاری از تحلیل‌گران آنرا مبنای شکل‌گیری این سازمان می‌دانند. البته گروهی پا را از این فراتر گذاشته و درصددند تا با شبیه‌سازی الگوی نظم در دوره نظام بین‌الملل جنگ سرد، سازمان را «ناتوی شرق» بنامند. البته سرگئی رازوف^۱ وزیر دفاع وقت روسیه در ژوئیه ۲۰۰۵ اعلام کرد که «همکاری نظامی در اولویت‌های سازمان همکاری شانگهای قرار ندارد و اولویت‌های ما اقتصاد و امنیت است» (انوری و رحمانی‌موحد، ۱۳۸۷: ۵۶). جمهوری اسلامی ایران به لحاظ امنیتی با موضوعاتی چون تروریسم و مواد مخدر درگیر است و عضویت در این سازمان می‌تواند در این زمینه همکاری‌های متقابل بین ایران و اعضای شانگهای را گسترش و تعمیق بخشد. عضویت دائم در این سازمان می‌تواند تضمین‌ها برای تأمین امنیت کشورمان را تقویت کند. به این معنا، که

1 - Sergei Razov

عضویت برابر ایران با روسیه و چین در سازمان همکاری‌های شانگهای هر چند به صورت غیرمستقیم می‌تواند نوعی بازدارندگی در برابر تهدیدات آمریکا علیه کشورمان ایجاد نماید. پیامدهای امنیتی عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. انتخابی مناسب جهت رویارویی با خطرات احتمالی اسرائیل، ناتو و آمریکا در همسایگی ایران؛
۲. نقطه عطف در گسترش همکاری‌های دوجانبه با کشورهای عضو در امر مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با تروریسم، اعتمادسازی و توسعه همکاری‌های سیاسی و اقتصادی؛
۳. زمینه‌ای مناسب جهت ایجاد طرح نظام امنیت دسته‌جمعی با هدف مقابله با حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای؛
۴. شرایطی مطلوب جهت پیگیری فعالیت‌های رژیم حقوقی و امنیتی دریای خزر؛
۵. عضویت دائم ایران در این سازمان به معنای تایید حرکت‌های سرکوبگرانه کشورهای عضو در خصوص حرکت‌های اسلامی و آزادیخواهانه^۱ تلقی خواهد شد که بایستی با دیپلماسی مدیریت شود.

ج) پیامدهای اقتصادی عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای

موضوع همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای فرصتی مشترک است که در گذشته بیشتر توسط اعضای ضعیف‌تر سازمان مورد تأکید قرار می‌گرفت و در حال حاضر تمامی اعضاء بر آن تأکید دارند. برخورداری از قریب به یک سوم جمعیت جهان و بخش اعظم منطقه اورآسیا با منابع فراوان انرژی و قرار گرفتن در یک موقعیت ژئواستراتژیک میان دو قطب پیشرفته اقتصادی جهان یعنی شرق آسیا و غرب اروپا، سازمان همکاری شانگهای را از منظر عناصر زیربنایی توسعه بسیار قدرتمند و توانا ساخته است. البته از آنجا که کشورهای آسیای مرکزی در دوره اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان تولیدکنندگان مواد خام، آنها را از صنعت و توسعه دور نگاه داشته بود، انگیزه ائتلاف‌سازی با هدف توسعه اقتصادی، آنها را جهت ایجاد سازمان شانگهای ترغیب نمود. به همین جهت پس از ایجاد سازمان در سال ۲۰۰۱، اعضای سازمان سندی در

۱- نظیر آنچه توسط چین در سین کیانگ و توسط روسیه در چین اتفاق افتاد.

خصوص حوزه‌های اصلی همکاری اقتصادی منطقه‌ای را امضا نمودند و در سال ۲۰۰۳ برنامه همکاری اقتصادی و بازرگانی چندجانبه را تصویب کردند.

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور در حال توسعه به گسترش تعاملات خود بر مبنای یک سیاست خارجی توسعه محور با سایر کشورها نیازمند می‌باشد. سازمان همکاری شانگهای با توجه به حضور چین، روسیه و هند زمینه مناسبی جهت دستیابی به اهداف توسعه محورانه ایران می‌باشد. ورود به این سازمان می‌تواند اقتصاد ایران را به اقتصاد کشورها و مناطق پیرامونی خود پیوند زده و قلمرو بزرگی در حوزه‌های جغرافیایی مختلف از شرق و جنوب شرق آسیا، منطقه آسیای مرکزی و روسیه ایجاد کند که به حتم در افزون شدن منافع اقتصادی کشورمان مؤثر خواهد بود. پیامدهای اقتصادی عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. گسترش همکاری‌ها در حوزه انرژی و زمینه مناسب جهت ایجاد ائتلاف‌های جدید در این خصوص، برای مثال اوپک گازی؛
۲. حفظ و گسترش بازار مصرفی بزرگ و بادوام برای نفت و صادرات غیرنفتی و رفع نیازمندی‌های تکنولوژیک و منابع مالی مورد نیاز برای توسعه صنعتی با توجه به ظرفیت کشورهای عضو؛
۳. گسترش و تقویت منافع اقتصادی ایران با احتمال گره‌خوردن منافع اقتصادی سازمان شانگهای با کشورهای آسه آن، ژاپن و کره جنوبی؛
۴. ایجاد مانع در جهت تحریم‌های جدید در شورای امنیت؛
۵. ایجاد یک بازار جایگزین بزرگ و بادوام جهت توسعه صادرات کشور بویژه در برابر بازارهای تحریمی.

د) پیامدهای فرهنگی عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای
جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی از امتیازات فراوانی بهره‌مند است، اکثریت جمعیت کشورهای آسیای مرکزی مسلمان هستند. اشتراکات فرهنگی و تاریخی ایران با کشورهای منطقه آسیای مرکزی به گذشته‌ای باز می‌گردد که کشورهای آن منطقه با ایران سرنوشت مشترکی داشته‌اند. قلمروی جغرافیایی واحد در گذشته سبب گردیده بود که این

کشورها رویکرد اقتباسی به فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی داشته باشند، به گونه‌ایی که امروزه بسیاری از آداب و رسوم و سنی که برخی از آنها حتی در ایران که پدید آورنده آن سنت‌ها بوده فراموش شده ولی در آسیای مرکزی پابرجا مانده است. فرهنگ ایرانی همواره در منطقه آسیای مرکزی از غلبه برخوردار بوده است و بی‌هیچ شبهه‌ای این فرهنگ اصیل قابلیت بسط یافتن و انتشار را در این مناطق دارد و نباید تردید کرد که اگر بخواهیم مناطق مختلف جهان را از نظر میزان تأثیرپذیری از فرهنگ ایرانی - اسلامی تقسیم کنیم، آسیای مرکزی در رأس آن مناطق قرار دارد. با توجه به چنین زمینه‌ای به نظر می‌رسد عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای پیامدهای فرهنگی زیر را بدنبال خواهد داشت:

۱. تقویت گروه کشورهای فارسی‌زبان در کنار تاجیکستان و احتمال عضویت افغانستان در آینده؛
۲. خنثی کردن تبلیغات رسانه‌ای مبنی بر منزوی شدن جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی؛
۳. تضعیف رابطه علت و معلولی بین اسلام و تروریسم و پیشگیری از تندروی و رفتار ناشایست علیه مسلمانان؛
۴. هرچند اغلب حرکت‌های افراطی اسلامی در منطقه ریشه در وهابیت دارد، لیکن باید توجه داشت که ایران با عضویت در سازمان می‌تواند ضمن تأثیرگذاری بر تصمیمات اعضا، از اعمال سیاست‌های نامناسب توسط سازمان علیه گروه‌های اسلامگرا ممانعت نماید؛
۵. تقویت بحث گفتگوی تمدن‌های اسلام، مسیحیت، کنفوسیوئیسم و بودائیسم.

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی مطلوب بایستی مبتنی بر واقعیات جامعه بین‌المللی باشد، این در حالی است که تاکید جمهوری اسلامی بر گسترش روابط با کشورهای جنوب است. جمهوری اسلامی ایران اگر بخواهد به یک هژمون منطقه‌ای تبدیل شود، ناگزیر از تعامل با قدرت‌های بزرگ می‌باشد. چرا که کشورها بر اساس قدرت شان دستور کار بین‌المللی را تعیین می‌کنند. نرم‌ها و قواعد رفتاری در عرصه بین‌المللی را قدرت‌های بزرگ تعریف می‌کنند. از قدرت‌های بزرگ موجود در عرصه نظام بین‌الملل پسا یازده سپتامبر، جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده

آمریکا و برخی متحدان آن در اروپا رابطه نداشته و یا رابطه سردی دارد. عضویت روسیه و چین در سازمان همکاری شانگهای فرصت مناسبی جهت جایگزینی قدرت‌های آسیایی بجای قدرت‌های غربی در تعاملات جهانی ایران است. تأکید بر ضرورت عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای بر این استدلال مهم مبتنی است که: ایران کشوری است که به لحاظ عضویت در نهادهای منطقه‌ای مؤثر قدری ضعیف است. مثلاً کشورهای پیرامونی جمهوری اسلامی از جمله کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس در نهادهای مختلفی از جمله اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس و... حضور دارند و از مزایای عضویت در این نهادها بهره می‌برند. در شمال ایران نیز کشورهای حوزه «سی‌ای‌اس» سازمان‌های مختلفی از جمله سازمان کشورهای هم‌سود، سازمان پیمان امنیت جمعی و... را تشکیل داده و در شرق و غرب نیز روندها و سازمان‌های منطقه‌ای بسیار وجود دارد که کشورهای مختلف در آنها عضویت داشته و طی آن به افزون‌سازی منافع خود مبادرت می‌کنند. در این میان، ایران تنها در یک سازمان منطقه‌ای یعنی اکو عضویت دارد که سازمان اقتصادی محدود و فاقد ابعاد امنیتی و استراتژیک است. در نتیجه، اینکه ایران بتواند در صورت عضویت در سازمان شانگهای از مزایای عضویت در این سازمان بهره‌بردارد، بی‌نفسه واجد مزایا و مطلوبیت‌های بسیار است. اما باید به این نکته توجه داشت که این عضویت یک بُعد آرمانی و ایده‌آل دارد و آن اینکه ایران بتواند در این سازمان منطقه‌ای به‌عنوان یک عضو اصلی بتواند محور این شکل منطقه‌ای شود، که متأسفانه در شرایط حاضر امکان‌پذیر نیست. برای این مساله چند دلیل می‌توان ذکر کرد؛ اول اینکه این سازمان از ابتدا یک سازمان برای حل و فصل مسائل مرزی بین روسیه، چین و کشورهای آسیای مرکزی بود. سپس این سازمان به سمت مسائل ضد تروریستی گرایش پیدا کرد. در نهایت در مرحله‌ای که روابط روسیه و آمریکا تیره شد، این سازمان نیز گرایش به ایجاد یک بلوک‌بندی جهانی پیدا کرد که گویا قرار است در آن تعدادی از کشورها در مقابل آمریکا بایستند. اما این مساله موقت و کوتاه بود، چرا که از یک سو آمریکایی‌ها تا حدودی از مطامع هژمونی طلبانه خود کوتاه آمدند و به‌عبارت بهتر، مسائلی برای آمریکا در عراق، افغانستان و نیز چالش‌های اقتصادی داخلی پیش آمد که این کشور را مجبور به کاهش رویکرد تهاجمی در سیاست خارجی خود کرد. در سوی دیگر و هم‌زمان با اینکه به تدریج روابط روسیه و آمریکا بعد از روی کار آمدن باراک اوباما بهبود یافت، مساله ایجاد بلوکی ضدآمریکایی در سازمان همکاری

شانگهای نیز منتفی شد. دوم آنکه از همان ابتدا تردیدهای زیادی در ایجاد یک بلوک ضد آمریکایی وجود داشت. چرا که چین با توجه به مجموعه منافع اقتصادی موجود و برنامه‌های اقتصادی آتی خود، به هیچ وجه مایل به تبدیل سازمان همکاری‌های شانگهای به یک سازمان امنیتی جهانی نبود. هم‌اکنون نیز پکن هیچ‌گونه تمایلی به ورود به یک رقابت سیاسی، امنیتی و نظامی با غرب در هیچ قالبی از جمله از طریق سازمان شانگهای ندارد. چین درصدد ایجاد یک بلوک تجاری است تا از آن طریق بتواند منافع اقتصادی خود را پیش ببرد. سوم اینکه نکته کلیدی درباره عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران موضوع هسته‌ای ایران است. به نظر می‌رسد که اعضای سازمان علاقه‌ای به تبدیل سازمان همکاری شانگهای به یک کلوپ هسته‌ای را ندارند و عضویت دائم ایران در این سازمان ناخواسته آنها را وارد بحران جهانی خواهد کرد. با عضویت دائم ایران در این سازمان، فشار غرب به این کشورها را که اغلب روابط حسنه‌ای با ایالات متحده دارند، افزایش خواهد داد. به این ترتیب به نظر می‌رسد که این کشورها با ایران کج‌دار و مریض رفتار می‌کنند، به این صورت که ایران هم عضو باشد (عضو ناظر) و هم عضو نباشد (عضو دائم). مجموعه این عوامل باعث شده که موضوع عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای هیچگاه به صورت جدی مطرح نشود و یا با موانع بسیار همراه باشد. به همین دلیل، به عقیده من موضوع عضویت ایران در این سازمان در وهله کنونی نمی‌تواند چندان محل بحث و طرح باشد. به همین جهت دستگاه دیپلماسی کشور بایستی موارد زیر را در این خصوص پیگیری نماید:

۱. تلاش در جهت افزایش وابستگی چین و هند به منابع انرژی نفت و گاز ایران؛ از جمله پیگیری خط لوله گاز به پاکستان و هند؛
۲. پیگیری احیاء نقش استراتژیک ایران در کریدور ارتباطی و حمل و نقل شمال به جنوب و غرب به شرق؛
۳. تلاش در جهت حل و فصل مسالمت آمیز مساله هسته‌ای کشور، به گونه‌ای که به منافع ملی کشور آسیبی وارد نشود؛
۴. پیگیری گسترش ائتلاف‌سازی‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای جهت داشتن آلترناتیوهای جایگزین؛

۵. تلاش در جهت افزایش اعتماد سازی، از طریق گسترش روابط دوجانبه با کشورهای عضو و بهره برداری از آن در پیشبرد اهداف در سازمان؛
۶. تاکید بر هر دو جنبه ایجاد موازنه نرم در سیاست خارجی؛ گسترش توانمندی داخلی و ائتلاف سازی خارجی.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- انوری، حمیدرضا و رحمانی موحد، مرتضی (۱۳۸۷). سازمان همکاری شانگهای؛ چشم اندازی به سوی جهان چند قطبی. تهران: وزارت امور خارجه.
- ایسنا (۱۳۸۹). «متکی در دهمین نشست سران سازمان همکاری شانگهای». تهران: سرویس سیاسی خبرگزاری دانشجویان ایران، ۲۱ خردادماه، کدخبر ۱۲۹۵۲-۸۹۰۳ به آدرس: www.isna.ir
- اینکبری، جی.جان (۱۳۸۲). «تنها ابر قدرت؛ هژمونی آمریکا در قرن ۲۱، ترجمه عظیم فضلی پور. تهران: نشر موسسه فرهنگی ابرارمعاصر تهران.
- بیلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۳). «جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران. تهران: نشر موسسه فرهنگی ابرارمعاصر تهران.
- توحیدی، ام البنین (۱۳۸۶). «رویکرد نوین سیاست خارجی هند». معاونت پژوهش های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک به نقل از سایت مرکز به آدرس: <http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=07&depId=44&semId=874>
- حبیبی امین، سلاله (۱۳۸۱). «نقش آمریکا در منطقه خزر: نقش قدرت های خارجی». تهران: مؤسسه مطالعات دریای خزر.
- حسینی پور، محمد (۱۳۸۸). «حضور ایران در اجلاس سران شانگهای؛ نتایج و پیامدها». اداره کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به نقل از آدرس: <http://r.iribnews.ir/UserFiles/File/beynolmelal/I.485.2.pdf>
- خبیری، کابک (۱۳۸۰). «نقش های جدید روسیه در محیط متحول امنیت بین المللی»، ماهنامه برداشت اول، سال اول، شماره اول.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۷۷). «نظریه نهادگرایی نولیبرال و همکاری بین المللی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال دوازدهم، شماره ۳، پاییز.

- رامونت، ایگناسیو (۱۳۸۳). «فوق قدرت»، میترا شعبانی، به نقل از سایت باشگاه اندیشه به آدرس:
<http://www.bashgah.net/pages-4320.html>
- سنایی، مهدی (۱۳۸۹). «آسیب‌شناسی سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی»، به نقل از
سایت ایراس به آدرس:
<http://www.iras.ir/fa/pages/?cid=9688>
- فریدمن، رابرت (۱۳۸۱). «روابط ایران و روسیه در دهه ۹۰»، ترجمه داود رضایی اسکندری، فصلنامه
سیاست خارجی، سال شانزدهم، تابستان.
- قاضی‌زاده، شهرام و طالبی‌فر، عباس (۱۳۸۸). سازمان همکاری شانگهای؛ همگرایی نوین
منطقه‌ای. تهران: نشر لقالنور.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۶). اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل. تهران: نشر سمت.
- کندی، پاول (۱۳۷۴). به سوی سده بیست و یکم، ترجمه فریدون دولتشاهی. تهران: نشر اطلاعات.
- کمیسون تدوین استراتژی امنیت ملی آمریکا (۱۳۸۳). استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن
بیست و یکم، جلال دهمشگی، ترجمه بابک فرهنگی و ابوالقاسم راه‌چمنی، تهران: نشر موسسه
فرهنگی ابرار معاصر تهران.
- کیانی، داود (۱۳۸۵). «امنیت انرژی اتحادیه اروپایی پس از بحران انرژی روسیه- اوکراین»، معاونت
پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک به نقل از سایت مرکز به آدرس:
<http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtid=06&depid=44&semid=457>
- لاین، کریستوفر (۱۳۸۶). «بازنگری در پندار یکجانبه‌گرایی: پایان جریان یکجانبه‌گرایی آمریکا»، ترجمه
محمود یزدان‌فام، فصلنامه برداشت دوم، مرکز بررسی‌های ریاست جمهوری، سال چهارم، شماره
ششم، زمستان.
- موسوی، رسول (۱۳۸۲). «رفتارشناسی سیاسی روسیه در عرصه تحولات جدید بین‌المللی»، فصلنامه
سیاست خارجی، سال هفدهم، پاییز.
- موسویان، حسین (۱۳۸۵). «سیاست خارجی ایران در اوراسیا: مسائل منطقه‌ای و جهانی، خزر،
انرژی و عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای»، به نقل از سایت مرکز تحقیقات استراتژیک به آدرس:
<http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtid=00&depid=45&semid=119>
- نای، جوزف (۱۳۸۶). «عنصر ترس در روابط چین و آمریکا»، روزنامه کارگزاران، سوم بهمن‌ماه.
- واعظی، محمود (۱۳۸۵). «سازمان همکاری شانگهای و ایران»، همشهری دیپلماتیک، شماره سوم،
خردادماه.

----- (۱۳۸۶). ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیان‌ها و بازیگران).

تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

----- (۱۳۸۸). «منافع روسیه و غرب در آسیای مرکزی و قفقاز و نقش تشکل‌های چندجانبه»،

فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۶، تابستان، به نقل از سایت مرکز تحقیقات استراتژیک به

آدرس:

<http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=07&&depId=44&semId=2062>

هاس، ارنست (۱۳۸۵). «مطالعه همگرایی منطقه‌ای: تأملاتی در باب شادکامی‌ها و تلخ‌کامی‌های پیش

نظریه‌سازی»، در اندرو لینکلتر، جامعه و همکاری در روابط بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیم،

تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

همشهری (۱۳۸۸). «۶ پیشنهاد احمدی‌نژاد به شانگهای»، همشهری آنلاین به آدرس:

<http://www.hamshahrionline.ir/news-83633.aspx>

ب) منابع انگلیسی

Atal, Subdoh (2005). "The New Great Game", **The National Interest**, Fall, Vol. 81.

Austin, Greg (2002). "European Union Policy Responses to the Shanghai Cooperation Organization", **European Institute for Asian Studies (EIAS)**, In: www.eias.org.

Bailes, Alyson J.K. et al. (2007). The Shanghai Cooperation Organization, **SIPRI Policy Paper**. No.17, May. In: www.sipri.org/contents/publications/policypaper17.html#download.

Craig, Timothy (2003). "The Shanghai Cooperation Organization: Origins and Implications", **Naval Postgraduate School Thesis**. Monterey, California.

Chung, Ching-Peng (2004). "The SCO: China's changing influence in Central Asia", **The China Quarterly**, Issue 180.

Cohen, Ariel (2006). "After the G-8 Summit: China and the Shanghai Cooperation Organization", **China and Eurasia Forum Quarterly**, Vol. 4, No. 3.

Gleason, Gregory and Shaihtudinov, Marat, E. (2005). "Collective Security and Non-State Actors in Eurasia", **International Studies Perspectives**, Vol. 6(2), May.

- Gorchakov, Boris (2006). "Shanghai Cooperation Organization: A Paradigm for Geopolitical Determinism", **World Affairs Review**, Vol. 1, April.
- Harris, Stuart (2005). "China's Regional Policies: How Much Hegemony", **Australian Journal of International Affairs**, Vol. 59(4). December.
- Lukin, Alexander (2004). "SCO: problems and prospects", **International Affairs**, Vol. 50 (3).
- Troitsky, Mikhail (2007). "A Russian Perspective on the Shanghai Cooperation Organization", In Bailes, Alyson J.K. et al.
- SCO Website A (2009). "The Interbank Consortium of the Shanghai Cooperation Organization", www.sectsc.org/EN/show.asp?id=51
- B (2009). "The Business Council of the Shanghai Cooperation Organization", www.sectsc.org/EN/show.asp?id=52
- Swanstrom, Niklas (2004). "The prospects for multilateral conflict prevention and regional cooperation in Central Asia", **Central Asian Survey**, Vol. 23, March.
- Waltz, Kenneth (1979). **Theory of International Politics**, New York: Random House.
- Weitz, Richard (2003). "Way Russia and China have not formed an anti-American Alliance", **Naval War College Review**, Vol. 56 (4). Autumn.
- Zhuangzhi, Sun (2004). "New and Old Regionalism: The SCO and Sino-Central Asian relations", **The Review of International Affairs**, Vol. 3(4).